

پیکارگر

نشریه
اتحادیه دانشجویان پیکارگر
طرفدار آزادی طبقه کارگر

سال اول - ۲۴ ماه مه ۱۹۸۲ شماره ۱

انقلاب پرشکوه

کارگران و زحمتکشان ایران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ خواهد سپرد!

بیا نیه - اعلان هویت

بحران سازمان پیکار و سرنوشت اتحادیه جهانی دانشجویان ایرانی

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نتوانست به بحران درونی خود غلبه کند و به محفلها و جمعها عناصر که گرایشات مختلفی را تشکیل میدهند تقسیم گردید. اینکه این گرایشات در آینده چه برنامه ای را پیش خواهند برد طبیعتاً در موقع اعلان موجودیت (البته اگر بخواهند بکنند) توضیح خواهند داد ما بعزت کثرت این گرایشات و به خاطر عدم انسجام آنها از توضیح نقطه نظرات تک تکشان در این بیانیه خودداری میکنیم و در فرصت های مناسب بعدی به آنها خواهیم پرداخت. آنچه این بیانیه مورد نظر ماست توضیح کامل مختصر بحران سازمان و سرنوشت اتحادیه جهانی و اعلان هویت گرایش خود میباشد.

بحران سازمان ما طبیعتاً جدا از بحران جنبش کمونیستی در ایران و جهان نبوده بلکه رابطه تنگاتنگی با آنها دارد. این بحران هم نه تصادفی و نه یک شبه بوجود آمده بلکه ریشه ایدئولوژیک داشته و ناشی از مبارزه طبقاتی و بویژه مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی و فشار بورژوازی علیه پرولتاریا میباشد. باین معنا که پرولتاریا و حزب آن کلاً از جامعه جدا نبوده و جزئی از آن بشمار میرود و توسط اقشار مختلفی و با بند های بیشماری با آن در ارتباط است. حزب و سازمان پرولتاریا نمیتواند از تاسها و نفوذ اقشار مختلف جامعه سرمایه داری فرار کند. طبقه کارگر که از اقشار مختلف از جمله آریستوکراسی کارگری که از بیشترین تأمین برخوردار است و از دهقانان خرده بورژوا و روشنفکران که بتازگی از طبقات غیر پرولتری جدا شده و در درون پرولتاریا میریزند و خوی و عادت قدیمی و نوسانات و تزلزلات خود را بدرستی آن میاورند تشکیل شده و در اثر فشار بورژوازی و ایدئولوژی آن به پرولتاریا مساعدترین زمینه برای نفوذ ایده های بورژوازی میباشد. تضاد های درون احزاب و سازمانها را بوجود میاورند که در اثر حدت این تضادها اختلال در درون سازمان یا حزب بوجود آمده و آنها را دچار بحران میسازد. بحران سازمان پیکار و یا جنبش کمونیستی ایران و جهان هم جدا از این قانونمندی نمیتواند باشد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

آغاز بحران جنبش کمونیستی جهان به سالهای آخر زندگی رفیق استالین بر میگردد. در این سالها نغمه های سازش طبقاتی در بعضی از احزاب کمونیست جهان ناوخته میشود. این نغمه های شوم از یکطرف باعث آتورپته استالین و مبارزه دورا. ساز حزب لنین به رهبری استالین بر علیه بورژوازی و از طرف دیگر بخاطر محبوبیت حزب بلشویک و کشور شوراهای و رفیق استالین در میان کارگران و زمکشان نمیتوانستند به وحدت جنبش کمونیستی جهان لطمه وارد کرده و بصورت عریان جنبش کمونیستی را مورد حمله قرار دهند. ولی بعد از مرگ استالین در مارس ۱۹۵۳ این وحدت و یکپارچگی جنبش کمونیستی خدشه دار گردیده و راه زوال در پیش میگردد. " حزب کمونیست شوروی " و در رأس آن خروشچف مرتد که از پشتیبانی اکثریت حزب برخوردار بوده تزه های ریزه ریزی را فرموله کرده و سه سال بعد با حمله به استالین در گزارش " مخفی " مطرح نظریات رو ریزه ریزی علیه مارکسیسم - لننیزم و دیکتاتوری پرولتاریا علنا به دفاع از بورژوازی بر میخیزد و تعدادی زیادی از احزاب و سازمانها را نیز به دنبال خود به منجلاب ریزه ریزی می کشاند.

اولین وظیفه ای که در آن موقع در مقابل جنبش کمونیستی و احزاب و سازمانها و گروههای چپ جهان قرار میگردد از یکطرف مقابل با تهاجم ریزه ریزی خروشچفی به مارکسیسم-لنینیزم و از طرف دیگر ریشه یابی و غلطیدن حزب کمونیست شوروی و احزاب دیگر به ریزه ریزی نیم میباشد. این سوال اساسی در آن موقع هن همه را بخود مشغول میکند که چرا حزب کمونیست شوروی به منجلاب ریزه ریزی نیم غلطیده و کشور شوراهارفته رفته به یک کشور سرمایه داری و امپریالیستی تبدیل میگردد و شیوه درست مبارزه علیه این پایگاه نوبورژوازی در لاس مارکسیسم چگونه باید انجام گیرد.

رسالت جواب به این سوال و رهبری جنبش کمونیستی جهان بمعهد و احزاب و سازمانهای میافتد که در آنموقع در مقابل ریزه ریزی نیم خروشچف و حزب رو ریزه ریزی شوروی و اوقارش ایستادگی میکنند که عدتترین آنها حزب کمونیست چین به رهبری ماوتسه تونگ و حزب کارآلبانی برهبری انورخوجه بود. ولی متاسفانه با وجود دستاورد های بخاطر آلوده بودن خود این احزاب و سازمانها به اپورتو نیم نمیتوانستند این رسالت را به پایان رسانده و برچم مارکسیسم-لنینیزم را در مقابل ریزه ریزی نیم خروشچفی و اپورتو نیم نهفته در درون خود با احتراز درگیرند و در نتیجه اپورتو نیم مثل خوره این احزاب و سازمانها را از درون خورده و بر گرایشات کمونیستی درون نشان غلبه پیدا میکند. بطوریکه امروز در سطح جهان ما یک سازمان و گروه اصیل کمونیستی را که در تمام سطوح به معیارهای جنبش کمونیستی وظا دار باشد سراغ نداریم. و باصطلاح با استخوان دارترین و آخرین آنها سازمانهای چپ و نه م-ل پیکار در ایران، مارتیزان بلشویک در ترکیه... بودند که یکی بعد از دیگری یا متلاشی گردیدند و یا به حاکمیت اپورتو نیم تن دادند. و ظالمی و اضمحلال آنها درست نتیجه منطقی خط مشی اپورتو نیستی حاکم بر آنها میباشد.

خط مشی اپورتو نیستی حاکم بر سازمان پیکار تیلور خود را در جهانیستی عهدفهای سیاسی ملحق و و سائلی

آرشیو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

که برای رسیدن به این هدفها انتخاب شده بود نشان میداد. آخرین ناپیش‌آین در سازمان ما بیانیه روز یونستی ۱۱۰ بود. بیانیه ۱۱۰ در واقع نقطه اوج بحران درون سازمان و فرموله ترین نظریات اپورتونیسم مسلط بر سازمان را بنمایش گذاشته. این بیانیه در واقع اساسی ترین معیارها و پرنسیپهای جنبش کمونیستی را گد مال کرده و زیر پا گذاشت. و در تحلیل از دولت بیان مینمود که چون حزب جمهوری اسلامی ابزارهای اصلی سرکوب را در دست دارد و بنا بر این تشدید سرکوب و اختناق سیاست حزب جمهوری اسلامی بوده و در انجهت باید در شرایط فعلی مقابله با حزب برخاست و نه کل بورژوازی. و بدین ترتیب از نابودی کل ماشین دولتی جلوگیری میکرد. در واقع میخواست با بخشی از بورژوازی بر علیه بخشی دیگر "مقابله" بر خیزد و بجای شعار سرنگونی کل بورژوازی جایگامی بخشی از آنها با بخش دیگر مطرح میکرد. مطرح مینمود که در شرایط فعلی باید پروتارها و دموکراتهای انقلابی شکل مبارزه خودش را حول دفاع از آزادیهای دموکراتیک بر روی حزب جمهوری یعنی نیروی اصلی و تعیین کننده روند سیاست رژیم متمرکز نمایند بعبارت دیگر همان شعار بورژوازیی مجاهدین و لیبرالها یعنی خلع پد از حزب حاکم.

بیانیه ۱۱۰ با مطرح کردن تئوری مراحل ناگزیر بود که بر علیه حزب جمهوری اسلامی با لیبرالها متحد شده و به تطهیر آنان بعنوان بخشی از بورژوازی ایران بپردازد و در نتیجه صف انقلاب ضد انقلاب را مخدوش میکرد. بیانیه محتوای طبقاتی دموکراسی را بفراموشی سپرده و شعار آزادیهای دموکراتیک بدون طرح شعار سرنگونی کل بورژوازی را مطرح مینمود. در یککلام بیانیه با تبلیغ "تحرش علیه حزب جمهوری اسلامی" به جای تبلیغ سرنگونی کل رژیم جمهوری اسلامی و یا تبلیغ لیبرالیسم بورژوازی بجای دموکراسی پرولتاری و یا با مطرح کردن تئوری مراحل مخدوش کردن صف انقلاب و ضد انقلاب گرایش روزیونیسی خود را بنمایش میگذاشت و حاکمیت اپورتونیسم در سازمان را بطور روشن در تمام زمینه هانشان میداد. مطرح شدن چنین نظریات و تحلیل از پروسه رشد سازمان نشان میداد که سازمان در واقع فاقد یک تئوری زنده مارکسیستی بوده که بتواند بر پایه آن برنامه عملی را برای مبارزه علیه بورژوازی و سازماندهی طبقه کارگر به پیش ببرد و توازن و نیرو و کوششهای صادقانه عده زیادی از رفقا را بهدر میداد و نمیتوانست بر روند زنده و موثر تو دمای کمونیستی را تحقق بخشید و هر چه دهد. توده هائی که به سازمان جذب میشدند بجای پرورش و سازماندهی به زانده سازمان تبدیل میگشتند و بسیاری از بهترین عناصر جنبش که با انگیزه ها و آرمانخواهی انقلابی به صفوف سازمان میپیوستند در لابلای این چرخها از حرکت واقعی باز داشته میشدند. به اعتراضات و انتقاداتی که در سازمان بصورت پراکنده مطرح میکردید ترتیب اثر داده نمیشد و مواظبت بجای مبارزه اید توتیک را گرفتار بود که نتیجه نهائی این حرکتهای اپورتونیستی امروزه در عمل هر کسنگی خود را بنمایش گذاشته و عجز و ناتوانی خود را در پاسخگویی به مسائل نشان داده است. ما در یکطرف رفقای پیشطاری را میبینیم که با شورانگیزترین حماسه هادر مقابل جلادان رژیم سرمایه ایستادند و راه سرخشان و ظادار مانده و در طرف دیگر خائنین و نارفتقانی

و نارهربانی که عمق اپورتونیسیم خود را در یوزگی آشکار و قیحانند رآستان پورژوازی جلاک حاکم بنمایش گذاشتند که این خود مجموعه پرتضادی را بنمایش میگذارد که بر خورد ریشه انجودان باید صورت گیرد . و پراتیک گذشته مورد نقد جدی و جز جز قرار گیرد تا بار دیگر چنین قاجعه های تاریخی تکرار نگردد . و روشن است که همه این مسائل فقط مختص سازمان پیکار نبوده بلکه به طرق و اشکال گوناگون در سازمانهای دیگر جنبش چپ ایران وجود داشته و دارد . و طبیعی است که نقد اپورتونیسیم و گسست از آن میبایستی در رابطه با تجزیه تحلیل مبارزه طبقاتی صورت پذیرد . ایده های مجرد و منزوی و تحلیلهای شعاری راه بجائی نخواهد برد . مبارزه ایدئولوژیک متنوع از مبارزه طبقاتی فرجامی جز چرخیدن در یک سیکل بسته و غوطه ور شدن در او هام ایدالیستی آکادمیستی نخواهد داشت . تلاش و کوشش هاد قانه کسانی که با کوله باری از تجربیات خونین میخوانند از اپورتونیسیم گذشته گسست نمایند و جریان کمونیستی را پایه بپزند از جمله مستلزم پرورش در دامان مبارزه انقلابی است .

در واقع بعد از بیرون آمدن بیانیه ۱۱۰ که ارتداد آشکار از مارکسیسم لنینیسم را نشان میداد موج گستردهای توسط توده های سازمانی بر علیه آن موجب گردید که باعث "غضب نشینی" سردمداران اپورتونیسیت گردید . در چنین شرایطی بود که جریان خود را " جناح انقلابی " نامید و با تئوریزه نمودن فراکسیون و مبارزه ایدئولوژیک علنی بعنوان پرنسیب و با ارائه راه حلشای اپورتونیسیتی اختلاف با راست کوشید تا بر جریان اعتراضات وسیع تودهای سوار گردد . جوهر نقطه نظرات این جریان را میتوان در نفی تزلزینی دوران ها و بدنیاال آن نفی جنبش کمونیستی از طریق عدم مرز بندی قاطع با اپورتونیسیم و قرارداد آن در درون جنبش کمونیستی نفی رهبری و استقلال طبقاتی پرولتاریا از طریق پذیرش تزوریزه نیستی تروتسکیستی فراکسیون و تز لیبرال - آنارشستی مبارزه ایدئولوژیک علنی بیان نمود . این رهنمود خطرناک و خرده پورژوایی در واقع مبارزه ایدئولوژیک را از سمت سوی اصلی خود منحرف مینمود و مصلی جزیه بپراهمه کشانیدن مبارزه نداشت در شرایطی که او جکیری بحران توام با شدت گیری سرکوب پورژوایی حاکم گشته بود . این رهنمود ها در دامن زدن به جو سوظن و بیاعتنادی در میان اعضا و هواداران تشدید بر خورد های شخصی در مساعدترین شرایطضربه پذیری عملکردی بظایت انحرافی داشت و البته باید تاکید نمود که بخشی از هواداران این جریان با این " رهنمود " ها مخالفت نموده و آنرا به اجزادرنیاوردند . نکتهای که اساسا میباید بدان توجه داشت اینستکه عملکرد خط مشی اپورتونیسیتی حا کم آنچنان نارضایتی گسترده ای در میان بدنه سازمان و هواداران بوجود آورده بود و آنچنان تنفر بحق را بر علیه خودش برانگیخته بود که بسیاری از توده های سازمانی برای مبارزه با جریان حاکم به دنبال روی از نقطه نظرات مخالف کشانیده میشدند . اتحادیه ما با اصطلاح نقش تسمه نقاله سازمان پیکار را در جنبش دانشجویی ایفا مینمود . طبیعی بود که

حرکت تشکیلات و تک تک ما نمیتوانست ما هیتا جدا از حرکت سازمان باشد و در روند دیگری طی طریق نماید. البته تمام کمبودها و نارسائیها تضادهای درون سازمان کماکان در اتحادیه نیز وجود داشت و علاوه بر آنها مسئله پشت جبهه که یکی از انحرافات عظیم جنبش دانشجویی خارج از کشور بوده و در سازمان ما نیز مهر خود را کوبیده بود و بالاخره در خارج هم عدای چشم گوش بسته بدنبال "جناح انقلابی" راه افتاده و از اتحادیه جدا شدند و اوایل چند روزی شلوغ کرده ولی بعدا چنان خاموش شدند که مثل اینکه اصلا وجود نداشته اند. در واقع "جناح انقلابی" هم در ادامه حرکت خویش و بر اساس رشد تضادهای درونی به چند محفل و عنصر تقسیم گردید.

در پروسه بحران و در مقابل "جناح انقلابی" در آن موقع جریان دیگری که با فراکسیونیم، مبارزه ایدئولوژیک علنی مرزندی داشت بنام "کمسیون گرایش" بوجود آمد. این جریان مطرح مینمود که برای برخورد به بحران کمسیونهای از گرایشها موجود و افراد هم نظر تشکیل گردد و به پهلای مبارزه ایدئولوژیک کنگره برگزار شود. این گرایش بر اساس مرزندی با بیانیه ۱۱۰ و فراکسیونیم شعار "پیکار در دو جبهه" بر علیه اهرتو نیسم راست و چپ را مطرح نمود و مشمن بحران را انحلال طلبی ارزیابی مینمود. و با بخشی از اتحادیه جهانی با مرزندی با ۱۱۰، فراکسیونیم، مبارزه ایدئولوژیک علنی به کمسیون گرایش مستگیری مینمودیم. باید توجه کنیم که کمسیون گرایش خود نیز دارای برنامه و خط مشی منسجمی نداشته و اختلاف نظرانی را از همان آغاز بر سر همین میانی طرح شده یعنی هیت اهرتو نیسم و درک از تنگداری آنها و... حمل مینمود. در ادامه مبارزه ایدئولوژیک بحران درون این جریان نیز تداوم یافت و بدین آنکه مبارزه ایدئولوژیک بر روی مسائل اساسی برنامه ای کانالیزه شده و جمع بندی گشته باشد این تشکل نیز به محافل و مناطقی مختلفی تقسیم گردید. تلاشی کمسیون گرایش که آنهم نتیجه منطقی حاکمیت اهرتو نیسم و سازشهای غیر اصولی میبود، تا شیرات خود را بر اتحادیه گذاشت و در اتحادیه نیز گرایشها مختلف و اهند فعه بصورت جریان مشخص بوجود آمدند و رشد نمودند و عملا همزیستی

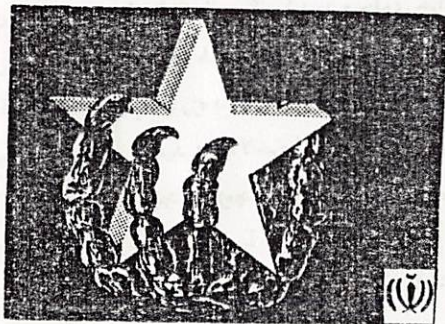
این گرایشها در اتحادیه غیر ممکن گردید و جلوی حرکت اتحادیه را گرفت و چند ماه همزیستی و مواضات جز سردرگمی و محطی چیزی برای ما ببار نیامد. با وجود اینکه ما تلاش فراوان کردیم که بر پایه پلاتفرمی مشخصی به کار ادامه دهیم و مبارزه درونی را سازمان داده و به کار بیرونی بپردازیم ولی رشد تضادها و اختلافات و تشدید آنها عملا بجائی نرسید. و بالاخره اتحادیه در کشور های مختلف به گرایشها کوناگونی تقسیم گردید. ما و چند گرایش دیگر حاضر نبودیم آزموه ها را در باره بازتائیم و هر طوره شده مکانیکی چند گرایش متضاد را برز بهم بچسبانیم و دل خوش کنیم که با هم هستیم و در عمل هیچ کاری نکنیم و مثل بیخ زیر آفتاب سوزان بتدریج آب بشویم و شاهد پاسیو شدن رقابتی خود باشیم. بدانجهت تصمیم گرفتیم با مواضع کنونی خود و بر اساس شناخت جایگاه و خویش تلاش کنیم و وظایفمان را در رابطه با مبارزه انجام داده و در پروسه حرکتان مواضع

نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با اپورتونیسم راست! (ننین)

خود را منسجم گردانیم. ما طبعاً نمیتوانیم در جایگاه يك سازمان متشکله از انقلابیون حرفه‌ای قرارداد داشته باشیم و وظیفه تدوین تئوری انقلاب و سازمان دادن طبقه کارگر و زحمکشان جامعه را در پیش روی خود قرار دهیم چنین توهمی جز خود فریبی و عوام‌فریبی پیش نیست اما میتوانیم در محدوده و در تدوین این نظریات شرکت نموده و در آن تاثیر داشته باشیم از جانب دیگر در سه‌ای گذشته ما با آموخته‌است که هواداری دنباله روانه از این یا آن جریان سیاسی جز ادامه همان درک پشت جبهه گذشته نمیتواند باشد. ما ضمن انجام نظریات خود با شرکت در مبارزه ایدئولوژیک و در کنار آن انجام وظایف انقلابی خویش میپردازیم افشای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی توضیح ضرورت سرنگونی آن، افشای آلت‌رئالیته‌های بهره‌روانی تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و اجزای این وظیفه انقلابی میباشد که ما با تمام توان خویش از آن کوتاهی نخواهیم کرد. ما کم‌کم رابطة خود را با تمام گرایشات و محفلها و عناصر درون سازمان پیکار سابق حفظ نموده و روشن شدن وضع نهائی این گرایشات و محافل مختلف به سوی یکی از آنها که با نظریات ما همخوانی داشته باشند مستگیری خواهیم کرد و بعنوان تسمه نقاله آن عمل خواهیم نمود. ما در این دوره گذار بنام اتحادیه دانشجویان پیکارگر طرفدار آزادی طبقه کارگر بفعالیتهای خود ادامه خواهیم داد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
 زنده باد انقلاب پر شکوه کارگران و زحمکشان ایران
 نابود باد سلطه سرمایه
 زنده باد سوسیالیسم

اتحادیه دانشجویان پیکارگر
 طرفدار آزادی طبقه کارگر



ترجمه و گردآوری متن: آموزشی م.ا.



۱- بهران حزب- لیس هیوه آکار جلد ۲۲ صفحات ۲۷-۲۸
 ۲- لیس هیوه آکار جلد ۲۰۱-۲۱۱ صفحات ۲۰۱-۲۱۱ و (۱۹۹۱)
 ۳- آسایان گفرائی ۱۱ حزب کمیت شهری (پاشه)
 هیوه آکار جلد ۱۱۱-۱۱۲ (۱۹۹۱)
 ۴- آسایان گفرائی ۱۲ حزب کمیت شهری (پاشه)
 هیوه آکار جلد ۱۱۲-۱۱۳ (۱۹۹۱)
 ۵- آسایان گفرائی ۱۳ حزب کمیت شهری (پاشه)
 هیوه آکار جلد ۱۱۳-۱۱۴ (۱۹۹۱)
 ۶- آسایان گفرائی ۱۴ حزب کمیت شهری (پاشه)
 هیوه آکار جلد ۱۱۴-۱۱۵ (۱۹۹۱)

دفتر اول

انتشارات پیکارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکارگر در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

افتخار بر رفتاری شهید بیشماري که تا آخرین نفس به پیکار طبقه کارگر وفادار ماندند